



سیره ی قضایی حضرت مهدی (عج)

حبیب الله طاهری

چکیده

با بررسی و دقت در روایات حکومت جهانی امام مهدی 7 در زمینه پیشرفت مسایل اقتصادی، فرهنگی و... در می یابیم که با کاسته شدن از جرم و جنایت و با پیشرفت علوم و فنون دستگاه قضایی آخرین معصوم الهی از توانایی و قدرت فراوانی برخوردار است.

این نوشتار جلوه ای از سیره قضایی آخرین حجت الهی را بیان می کند. و تلاش شده است؛ ترسیم چشم انداز آن حکومت، چراغی فراروی امروز افروخته گردد. اجرای عدالت در زمان آن حضرت منحصر به روابط اجتماعی منحصر نیست؛ بلکه اصول عدالت در تمام زمینه های کلی و جزئی به طور شگفت آوری اجرا می شود. نگارنده در این مقاله به پیشرفت مسایل فنی اشاره میکند و با تحقیقهای انجام شده به این نتیجه میرسد که: در عصر ظهور، با پیشرفت علوم، فناوری و تکنیک و صنعت، و مسایل کشف جرم آن قدر کامل می شود که کمتر مجرمی می تواند ردپایی



که با آن شناخته شود از خود به جا نگذارد. به دلیل مراقبت شدیدی که در عصر حکومت او اعمال می‌شود، مجرمان در خانه خود نیز در امان نیستند؛ چرا که ممکن است با وسایل پیشرفته تحت کنترل باشند. حتی ممکن است امواج صوتی آنها از پشت دیوار قابل کنترل باشند.

کلیدواژه‌ها: مهدویت، سیره قضایی، حکومت جهانی، حکومت مهدوی.

مقدمه

۱- برای مبارزه با فساد و تجاوز و ستم از یک سو، لازم است پایه‌های ایمان و اخلاق تقویت شود و از سوی دیگر، یک سیستم صحیح و نیرومند قضایی با هشیاری کامل و احاطه وسیع به وجود آید.

مسئلاً پیشرفت کامل صنایع، وسایلی را در اختیار بشر می‌گذارد که با آن به خوبی می‌توان در مورد لزوم، حرکات همه مردم را تحت کنترل قرار داد و هر حرکت ناموزون و ناجایی را که به فساد و تجاوز منتهی می‌شود، زیر نظر گرفت. علائم و آثاری را که مجرمان در محل جرم باقی می‌گذارند می‌توان شناسایی و از آنها عکسبرداری کرد، صدای آنها را ضبط نمود و آنها را به خوبی تجزیه و تحلیل کرد. قرار گرفتن چنین ابزار پیشرفته‌ای در اختیار یک حکومت صالح، عامل مؤثرتری برای پیش‌گیری از فساد و ستم است؛ به گونه‌ای که می‌توان در صورت وقوع جرم یا تضییع حقی، حق را به صاحب آن رساند.

شکی نیست که در عصر آن مصلح بزرگ جهان، آموزش‌های اخلاقی با وسایل ارتباط جمعی بسیار پیشرفته، آن چنان گسترش می‌یابد که اکثریت مردم جهان را برای یک زندگی صحیح انسانی و آمیخته با پاکی و عدالت اجتماعی آماده می‌سازد. ولی از آن جا که انسان آزاد آفریده شده و در تصمیم‌ها و اعمال خویش از اصل



جبر پیروی نمی کند، خواه ناخواه افرادی - هر چند انگشت شمار - در هر اجتماع صالحی ممکن است پیدا شوند که از آزادی خود سوء استفاده کنند و از آن برای وصول به مقاصد شوم خود بهره گیرند. به همین دلیل جامعه باید به یک دستگاه قضایی سالم و کاملاً آگاه و مسلط مجهز باشد تا حقوق مردم به آنها برگردانده شود و ستمگر به جزای خود برسد.

۲- با دقت در جرائم و جنایات و مفساد اجتماعی راه‌های پیش‌گیری از آنها، روشن می‌شود که:

اولاً، با اجرای عدالت اجتماعی و تقسیم عادلانه ثروت، ریشه بسیاری از مفساد اجتماعی که از کشمکش بر سر اندوختن ثروت و استثمار طبقات ضعیف، حيله و تزویر و انواع تقلب‌ها، دروغ، خیانت و جنایت برای در آمد بیشتر سرچشمه می‌گیرد، برچیده می‌شود. مفسادی که شاید رقم بیشتری از فساد و ظلم در هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهد. این مفساد به عنوان سرچشمه و ریشه بسیاری از جرائم و جنایات مطرحند که با از میان رفتن ریشه اصلی، شاخ و برگ‌ها خود به خود می‌خشکند.

ثانیاً: آموزش و تربیت صحیح اثر عمیقی در بهبود مبارزه با فساد و تجاوز و انحرافات اجتماعی و اخلاقی دارد؛ یکی از علل مهم توسعه فساد در جوامع کنونی این است که نه تنها از وسایل ارتباط جمعی برای آموزش صحیح استفاده نمی‌شود، بلکه بیشتر آنها در خدمت کثیف‌ترین و زشت‌ترین برنامه‌های استعماری فاسد قرار دارد. برنامه‌هایی که شب و روز از طریق ارایه فیلم‌های بدآموز و داستان‌ها و برنامه‌های گمراه‌کننده و حقی اخبار دروغ و نادرستی که در خدمت مصالح استعمار جهانی است، به ظلم، تبعیض و فساد خدمت می‌کنند.

البته این موارد نیز از جهتی ریشه اقتصادی دارد و برای تحذیر مغزها و به ابتدال کشاندن مفاهیم سازنده و نابود کردن نیروهای فعال و بیدار هر جامعه، برای



بهره‌گیری بیشتر غول‌های استعمار اقتصادی حرکت می‌کند، بدون آن که با مانع مهمی روبرو شوند. هرگاه این وضع دگرگون شود، به طور قطع در مدت کوتاهی قسمت مهمی از مفاسد اجتماعی از بین خواهد رفت. این کار تنها از یک حکومت صالح و سالم جهانی بر می‌آید. حکومتی که در مسیر منافع توده‌های جهان - و نه استثمارگران - برای ساختن جهانی آباد و آزاد و مملوّ از صلح و عدالت و ایمان حرکت می‌کند.

ثالثاً: وجود یک دستگاه قضایی بیدار و آگاه با ابراز مراقبت دقیق که نه مجرمان بتوانند از چنگ آن فرار کنند و نه ستمگران از عدالت سرباز زنند، نیز عامل مؤثری در کاهش میزان فساد، گناه و سرپیچی از قانون است.

اگر این سه جنبه دست به دست هم دهند، تأثیر آن فوق‌العاده زیاد خواهد بود. از مجموع احادیث مربوط به دوران حکومت مهدی 7 استفاده می‌شود که او از تمام این سه عامل باز دارنده، در عصر انقلابش بهره می‌گیرد؛ به گونه‌ای که ضرب‌المثل معروفی که می‌گوید: زمانی فرا می‌رسد که گرگ و میش در کنار هم آب می‌خورند تحقق می‌یابد.

مسئلاً گرگ‌های بیابان تغییر ماهیت نمی‌دهند و لزومی هم ندارد که چنین شود، میش‌ها هم از حالت کنونی در نمی‌آیند، بلکه این جمله اشاره دارد به برقراری عدالت در جهان و تغییر روش گرگ صفتان خون‌خوار. که در سازش با حکومت‌های جبار، قرن‌ها به خوردن خون قشرهای مستضعف جامعه انسانی مشغول بودند!

۳- آگاهی به روش دآوری و سیره قضایی امام مهدی 7 تنها با بررسی روایات وارده در این باب میسر است؛ چرا که عقل را در این نوع مسایل راهی نیست تا با بررسی عقلانی به حقیقت آن آگاه شویم. بنابراین، در این مقاله نخست روایات مربوطه را (تا جایی که به آنها دست یافته‌ایم) ذکر نموده و سپس با دقت و کاوش در

آنها به شیوه قضایی امام 7 آگاهی پیدا می کنیم:

روایات

روایات وارده در رابطه با روش داوری آن حضرت و امور مربوطه به داوری بسیار است که ما به بخشی از آنها اشاره می کنیم:

۱- قَالَ الصَّادِقُ 7:

اِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ وَأَمَنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَأَخْرَجَتْ
الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا وَرَدَّ كُلَّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ... وَحَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَحُكْمِ مُحَمَّدٍ...
وقتی که قائم قیام کند، داوری را بر اساس عدالت قرار می دهد و ظلم و جور
در دوران او برچیده می شود و جاده ها در پرتو وجودش امن و امان می گردد و زمین
برکاتش را خارج می سازد و حق هر کس را به او بر می گرداند، و در بین مردم همانند
داود و محمد 9 داوری می کند....؟

۲- جابر از امام باقر 7 نقل می کند که فرمود:

إِنَّمَا سُمِّيَ الْمَهْدِيُّ لِأَنَّهُ يَهْدِي إِلَى أَمْرِ خَفِيٍّ حَتَّى أَنَّهُ يَبْعَثُ إِلَى رَجُلٍ لَا يَعْلَمُ النَّاسُ لَهُ
ذَنْبٌ فَيَقْتُلُهُ حَتَّى أَنْ أَحَدَكُمْ يَتَكَلَّمُ فِي بَيْتِهِ فَيَخَافُ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْهِ الْجِدَارُ

حضرت امام عصر، به این جهت مهدی نامیده شده است که به امور مخفی و پنهان
هدایت می شود، تا جایی که گاه به سراغ مردی می فرستد (و او را) به قتل می رساند که
مردم او را بی گناه می دانند، (زیرا از گناه پنهانی او همانند قتل نفس که موجب قصاص
است، آگاه می باشد تا آن جا که بعضی ها هنگامی که در خانه خود سخن می گویند،
می ترسند دیوار بر ضد آنها شهادت دهد (و از کارهای خلاف و توطئه آنان امام را با
خبر سازد).^۲

۳- قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ 7:



إِنَّهُ إِذَا تَنَاهَتْ الْأُمُورُ إِلَى صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ رَفَعَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَهُ كُلَّ مَنْخَفِضٍ
مِنَ الْأَرْضِ وَخَفِضَ لَهُ كُلَّ مُرْتَفِعٍ حَتَّى تَكُونَ الدُّنْيَا عِنْدَهُ بِمَنْزِلَةِ رَاحَتِهِ فَأَيْكُم لَوْ
كَأَنْتَ فِي رَاحَتِهِ شَعْرَةً لَمْ يَبْصُرْهَا

وقتی کارها به صاحب اصلی ولایت رسید خداوند بزرگ هر نقطه فرورفته‌ای از زمین را برای او مرتفع و هر نقطه مرتفعی را پایین می‌آورد؛ آن چنان که تمام دنیا نزد او همانند کف دستش خواهد بود. کدام یک از شما اگر در کف دستش موی باشد آن را نمی‌بیند؟

۴- امام صادق و امام کاظم 7 فرمودند:

لَوْ قَدِ قَامَ الْقَائِمُ لِحُكْمِ بَثَلَاتٍ لَمْ يَحْكَمْ بِهَا أَحَدٌ قَبْلَهُ: يَقْتُلُ الشَّيْخَ الزَّانِيَّ وَيَقْتُلُ
مَانِعَ الزَّكَاةِ وَيَوْرَثُ الْأَخَّ أَخَاهُ فِي الْأَظْلَمِ

هرگاه قائم قیام کند، سه حکم خواهد کرد که احدی پیش از او نکرده است (و آنها عبارتند از): پیرزناکار و مانع الزکات را می‌کشد و به برادرانی که در عالم اشباه و ارواح (عالم ذر) برادر بودند (نه برادر صلبی) ارث می‌دهد.

۵- در روایات بسیاری وارد شده است که امام مهدی ذریه‌ها و نواده‌های قاتلان

سیدالشهداء را به خاطر رضایت به کار پدران می‌کشد. امام صادق 7 می‌فرماید:

إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ قَتَلَ ذُرَارِيَّ قَتَلَهُ الْحُسَيْنُ 7 يَفْعَالِ آبَائِهِ...

۶- یکی از کارهای آن حضرت اجرای حدود بر مردگان است؛ یعنی حکم

حضرت این است که اگر کسی حدی بر عهده داشت و حد اجرا نشده بود، در هنگام

ظهور و رجعت آنان، حد را جاری می‌کند، چنان که درباره حمیراء چنین می‌کند به

خاطر افترايي که به امّ ابراهيم زوجه صالحه رسول خدا ﷺ زده بود. امام باقر فرمود:

أَمَّا لَوْ قَامَ قَائِمُنَا لَقَدْ رُدَّتْ إِلَيْهِ الْحُمَيْرَاءُ حَتَّى يَجْلِدَ الْحَدَّ وَحَتَّى يَنْتَقِمَ لِابْنَتِهِ مُحَمَّدٍ

فَاطِمَةَ 3، مِنْهَا، قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ وَلَمْ يَجْلِدْهَا الْحَدَّ؟ قَالَ: لِفِرْيَتِهَا عَلَى أُمَّ إِبْرَاهِيمَ،

قُلْتُ: فَكَيْفَ آخِرُهُ اللَّهُ لِلْقَائِمِ 7؟ فَقَالَ لَهُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَعَثَ مُحَمَّدًا 9 رَحْمَةً وَيَبْعَثُ الْقَائِمَ نِقْمَةً ۞

آگاه باشید اگر قائم ما قیام کند، همی‌راء برای او برگردانده خواهد شد تا اینکه او را تازیانه حد زند و برای فاطمه دختر پیامبر از او انتقام بگیرد. راوی می‌گوید عرض کردم فدای تو شوم، تازیانه حد برای چه؟ فرمود: برای افتراپی که بر مادر ابراهیم فرزند پیامبر زد. گفتم: پس چرا حد او تا قیام قائم به تأخیر افتاده است؟ فرمود: برای این که خداوند محمد را رحمت فرستاده و قائم را نقت.

۷- عَنْ أَبَانَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ 7 يَقُولُ:

لَا يَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مَنِّي يَحْكُمُ بِحُكُومَةِ آلِ دَاوُدَ لَا يَسْأَلُ عَن بَيْنَةٍ،
يُعْطِي كُلَّ نَفْسٍ حُكْمَهَا.

ابان می‌گوید: از امام صادق 7 شنیدم که می‌فرمود: دنیا به پایان نمی‌رسد تا این که مردی از تبار من قیام کند و در حکومت خود به حکم آل داوود حکم نماید. از کسی مطالبه بینه و شاهد نکند و هر کسی را به حکم واقعی او محکوم نماید.^۸
۸- امام صادق 7 فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ حَكَمَ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ لَا يَسْأَلُ النَّاسَ بَيْنَةً ۞
وقتی قائم آل محمد قیام کند به حکم داوود و سلیمان حکم می‌کند و از مردم گواه نمی‌خواهد.^۹

۹- قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ 7:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ 7 لَمْ يَقُمْ بَيْنَ يَدَيْهِ أَحَدٌ مِّنْ خَلْقِ الرَّحْمَنِ إِلَّا عَرَفَهُ صَالِحٌ هُوَ أَمْ طَالِحٌ؟ أَلَا وَفِيهِ آيَةٌ لِلْمُتَوَسِّمِينَ وَهِيَ السَّبِيلُ الْمُقِيمُ.

هرگاه قائم قیام کند احدی از خلق خدا در پیش او نایستد مگر این که آن حضرت، او را بشناسد که صالح است یا طالح، آگاه باشید که در شأن او است آیه ﴿



ان في ذلك لاياتٍ للمتوسمين^{۱۰}

و در حدیث دیگر فرمود:

لَوْ قَامَ قَائِمُنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ السِّمَاءَ فَيَأْمُرُ بِالْكَافِرِ فَيُؤَخِّدُ بِنِوَاصِيهِمْ وَأَقْدَامِهِمْ ثُمَّ يَخِطُّ
بِالسِّيفِ خَبَطًا.

چون قائم ما قیام کند، خداوند علم سیما به او عطا کند، پس امر می‌کند بر کافر،
پس موهای پیشانی‌شان را می‌گیرند و به پاهای ایشان می‌چسبند و می‌کشانند به سوی
شمشیر و شمشیر را در میان ایشان می‌نهد.^{۱۱}

۱۰- در حدیثی امام صادق 7 فرمود:

إِنْ قَائِمُنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ لِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَابْصَارِهِمْ حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ
الْقَائِمِ بَرِيدٌ يَكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَهُوَ فِي مَكَانِهِ.

هنگامی که قائم ما قیام کند خداوند آن چنان گوش و چشم شیعیان ما را تقویت
می‌کند که میان آنها و قائم (رهبر و پیشوایشان) نامه‌رسان نخواهد بود. با آنها سخن
می‌گوید سخنش را می‌شنوند و او را می‌بینند؛ در حالی که او در مکان خودش است
(و آنها در نقاط دیگر دنیا).^{۱۲}

یعنی وسایل انتقال صدا و تصویر، به طور همگانی و آسان در اختیار همه پیروان او
قرار دارد؛ آن چنان که در عصر حکومت او اداره پست چیز زیادی محسوب می‌گردد.
بنابراین، همه برنامه‌ها با سیستم شهود و حضور اجراء می‌شود؛ در چنین حالتی هیچ
امری از حاکم آن زمان مخفی نخواهد بود هر چند برای دیگران مخفی باشد. امام
به طور طبیعی (با قطع نظر از علم غیب) بر همه چیز آگاه است و همانند داوود و
سلیمان، بر اساس علمش داوری می‌نماید.

۱۱- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ 7 قَالَ:

إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ لَا يَحْتَاجُ إِلَى بَيْنَةٍ، يَلْهَمُهُ اللَّهُ

تَعَالَى فَيَحْكُمُ بِعِلْمِهِ وَيَخْبِرُ كُلَّ قَوْمٍ بِمَا اسْتَبْطَنُوهُ، وَيَعْرِفُ وَلِيَهُ مِنْ عَدُوِّهِ بِالْتَّوَسُّمِ، قَالَ
اللَّهُ سُبْحَانَهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ وَآيَاتٍ لِّسَبِيلِ الْمُقِيمِ.

امام صادق 7 فرمود:

هرگاه قائم آل محمد قیام کند، میان مردم به حکم داوود حکم می کند و در
حکمش نیاز به بینه و گواه ندارد. خداوند بزرگ به او الهام می کند، پس به علم خود
حکم می کند.^{۱۳}

و هر قومی را به آن چه پنهان کرده اند آگاه می کند. دوست خود را از دشمن با توسم
می شناسد (یعنی با فراست و نگاه از سیما تشخیص می دهد). این است که خدای
سبحان فرمود (إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ).

۱۲- عَنْ ابْنِ تَعْلَبٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: 7 :

دَمَانٍ فِي الْإِسْلَامِ حَلَالٌ مِّنَ اللَّهِ لَا يَقْضَىٰ فِيهِمَا أَحَدٌ حَتَّىٰ يَبْعَثَ اللَّهُ قَائِمَنَا أَهْلَ
الْبَيْتِ، فَإِذَا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ حَكَمَ فِيهِمَا بِحُكْمِ اللَّهِ لَا يَرِيدُ
عَلَيْهِمَا بَيْنَهُ: الزَّانِي الْمُحْصَنُ يَرْجُمُهُ وَمَانِعُ الزَّكَاةِ يَضْرِبُ عُنُقَهُ

ابان بن تغلب گفت: امام صادق 7 برای من چنین فرمود: دو خون است که در
اسلام از خداوند حلال شناخته شده است، ولكن هیچ کس در آن دو خون حکم
نکند، تا این که خدای عزیز و بزرگ قائم اهل بیت را برانگیزاند، پس او به دستور
خدا در [بارہ] آن دو، حکم کند و در این رابطه از کسی بینه و گواه نطلبد (یعنی
به علم خود عمل کند) زنا کننده محض را سنگسار کند و مانع زکات را گردن زند.^{۱۴}

۱۳- قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ 7 :

يُقَوْمُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ جَدِيدٍ، وَكِتَابٍ جَدِيدٍ، وَقَضَاءٍ جَدِيدٍ.

امام باقر 7 فرمود: قائم امام مهدی قیام می کند به امر جدید و کتاب جدید و

داوری جدید که بر عرب بسیار سختگیر است.^{۱۵}



۱۴- عن أبي جعفر 7 قال:

يَقْضِي الْقَائِمُ بِقَضَايَا يَنْكُرُهَا بَعْضُ أَصْحَابِهِ مِنْ قَدْ ضَرَبَ قُدَّامَهُ بِالسَّيْفِ وَهُوَ قَضَاءُ آدَمَ 7 فَيَقْدَمُهُمْ فَيَضْرِبُ أَعْنَاقَهُمْ، ثُمَّ يَقْضِي الثَّانِيَةَ ۚ فَيَنْكُرُهَا قَوْمٌ آخَرُونَ مِنْ قَدْ ضَرَبَ قُدَّامَهُ بِالسَّيْفِ وَهُوَ قَضَاءُ دَاوُدَ 7 فَيَقْدَمُهُمْ فَيَضْرِبُ أَعْنَاقَهُمْ ثُمَّ يَقْضِي الثَّلَاثَةَ ۚ فَيَنْكُرُهَا قَوْمٌ آخَرُونَ مِنْ قَدْ ضَرَبَ قُدَّامَهُ بِالسَّيْفِ وَهُوَ قَضَاءُ إِبْرَاهِيمَ فَيَقْدَمُهُمْ فَيَضْرِبُ أَعْنَاقَهُمْ، ثُمَّ يَقْضِي الرَّابِعَةَ ۚ وَهُوَ قَضَاءُ مُحَمَّدٍ 9 فَلَا يَنْكُرُهَا أَحَدٌ عَلَيْهِ.

امام باقر 7 فرمود: قائم به گونه‌ای قضاوت می‌کند که بعضی از اصحاب او همان‌هایی که در جلو او شمشیر زده‌اند، آن قضاوت‌ها را نادرست می‌شمارند و مورد انکار قرار می‌دهند. و آن قضاوت آدم 7 است؛ پس گردن آنان را می‌زند. باز در مرتبه دیگر قضاوت می‌کند به قضاوت‌هایی که آن را جمع دیگر از کسانی که در جلو حضرت شمشیر زده‌اند انکار می‌کنند و آن را منکر می‌شمارند، و آن قضاوت داوود 7 است؛ پس گردن ایشان را هم می‌زند.^{۱۱}

بار سوم به قضایای دیگری به سبک و روش ابراهیم 7 قضاوت می‌کند؛ این بار نیز جمعی دیگر از کسانی که در جلو او شمشیر زده‌اند (آن را) نادرست (و خلاف شرع) می‌شمارند و بروی انکار می‌کنند، پس گردن ایشان را نیز می‌زند. بار چهارم به قضاوت‌های محمد 9 قضاوت می‌کند، هیچ کس بروی انکار نمی‌کند.

۱۵- در حدیثی از امام صادق 7 می‌خوانیم:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ بَعَثَ فِي أَقَالِيمِ الْأَرْضِ فِي كُلِّ إِقْلِيمٍ رَجُلًا يَقُولُ عَهْدُكَ فِي كَفِّكَ فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ مَا لَا تَفْهَمُهُ وَلَا تَعْرِفُ الْقَضَاءَ فِيهِ، فَانظُرْ إِلَى كَفِّكَ وَاعْمَلْ بِمَا فِيهَا.

هرگاه قائم قیام کند، در هر اقلیمی از اقلیم زمین مردی را بفرستد و بگوید عهد تو در کف دست تو است، هرگاه بر تو وارد شود [کسی و تو] چیزی را نفهمی و

قضای آن را ندانی، به کف [دست] خود نظر کن و به آن چه در وی است عمل نما.^{۱۷}

۱۶- قَالَ الْبَاقِرُ 7 :

...ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَى الْكُوفَةِ، فَيَبْعَثُ الثَّلَاثَ مِائَةَ وَالْبَضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا إِلَى الْإِفَاقِ كُلِّهَا فَيَمْسَحُ بَيْنَ أَكْتافِهِمْ وَعَلَى صُدُورِهِمْ فَلَا يَتَعَايُونَ فِي قَضَائِهِ...
امام باقر 7 فرمود: پس از آن که امام 7 به کوفه بازگشت و در آن جا مستقر شد، بیش از سیصد و ده نفر را به اطراف عالم (برای حکمرانی و اجرای احکام الهی) می فرستد و در هنگام فرستادن آنها، شانه ها و سینه های آنها را با دست مبارک مسح می کند.^{۱۸}

پس آنان در هیچ حکمی و قضایی عاجز نمی مانند (قضا و داوری در هر امر مشکلی برای آنان آسان خواهد بود).

۱۷- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ 7 قَالَ فِي حَدِيثٍ:

... فَإِنَّمَا سُمِّيَ الْمَهْدِيُّ لِأَنَّهُ يَهْدِي بِأَمْرِ خَفِيِّ يَسْتَخْرِجُ التَّوْرَةَ وَسَائِرَ كُتُبِ اللَّهِ مِنْ غَارٍ بِأَنْطَاكِيَه فَيَحْكُمُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَاتِ بِالتَّوْرَاتِ، وَبَيْنَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِالْإِنْجِيلِ، وَبَيْنَ أَهْلِ الزُّبُورِ بِالزُّبُورِ، وَبَيْنَ أَهْلِ الْفُرْقَانِ بِالْفُرْقَانِ...
در حدیثی از امام باقر 7 می خوانیم که فرمود: علت نام گذاری او (امام دوازدهم) به مهدی، این است که خدا او را به امور مخفی هدایت کرده است. از جمله این که تورات و دیگر کتاب های آسمانی را از غاری در انطاکیه خارج می سازد و میان پیروان تورات به تورات و پیروان انجیل به انجیل و پیروان زبور به زبور و پیروان قرآن به قرآن، قضای و داوری می کند.^{۱۹}

۱۸- عَنِ الصَّادِقِ 7 قَالَ:

... أَمَا وَاللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَالْقَرُّ.



آگاه باشید، قسم به خدا مهدی عدالت را وارد خانه‌ها می‌کند؛ هم‌چنان که سرما و گرما وارد خانه‌ها می‌شود (یعنی دادگری او همه جا را فرا می‌گیرد) ۶

بررسی:

از کنکاش در روایات بالا مطالب ذیل به دست می‌آید

۱- عدالت از اصول مهم و از تعالیم اساسی و اهداف بزرگ اسلام است. تعالیمی که قرآن مجید و احادیث معتبر، با تأکید و صراحت همکاران به اجرای آن در تمام زمینه‌های زندگی به آن مأمور متعهد ساخته است. پیامبران الهی همگان در مأموریت آسمانی خود، خواهان برپا داشتن عدل در بین تمام انسان‌های جهان بوده‌اند و می‌خواستند مردم را به گونه‌ای تربیت کنند که آنان خود قسط و عدل را پیا دارند، ولی هیچ یک از انبیا و اولیای الهی در این مأموریت خطیر، به طور کامل موفق نبودند.

تنها کسی که می‌تواند با موفقیت تمام عدالت را برقرار کند، امام مهدی 7 است؛ تا جایی که جمله «يَمْلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا» برای تأکید این حقیقت در بسیاری از روایات آمده است. در احادیث فوق نیز، با صراحت به فراگیر شدن عدل در عصر ظهور اشاره شده است.

اجرای عدالت در زمان آن حضرت منحصر به روابط اجتماعی منحصر نیست؛ بلکه اصول عدالت در تمام زمینه‌های کلی و جزئی به طور شگفت‌آوری اجرا می‌شود. در حدیث آمده است که وقتی حضرت مهدی 7 بیاید نه تنها جوامع بشری و آبادی‌ها، بلکه همه زمین را پراز عدل و داد نماید؛ تا جایی که قطره‌ای آب، از چشمه‌ساری به هدر نرود و میوه‌ای از درختی به ستم یا اسراف چیده نشود. او همه مکان‌ها و همه زمان‌ها را پراز عدالت کند؛ آبادی‌ها، هامون‌ها، دشت‌ها، درّه‌ها،



جنگل‌ها، کوهساران، بامدادان و غروب‌ها و... را.^۱ و چنان که در حدیث ۱۸ اشاره شد، عدل و داد همانند سرما و گرما وارد خانه‌ها می‌شود؛ یعنی همان‌گونه که گرما و سرما خود به خود، وارد خانه‌ها می‌شود و همه جای آن را پر می‌کند و روی همه چیز اثر می‌گذارد، امام مهدی ۷ نیز دادگری و عدل خویش را، این چنین به درون زندگی‌ها می‌برد و نفوذ می‌دهد و می‌گستراند. همه چیز در عدل و داد فرو می‌رود و جوهر عدل و داد می‌پذیرد.

می‌گویند در حکومت حضرت مهدی ۷ سخن‌گویان نخستین مرحله دولت او در مکه فریاد می‌زنند:

هر کس نماز فریضه خود را در کنار حجرالاسود و محل طواف خوانده است و می‌خواهد نافله بخواند، به کناری رود و آن کس که می‌خواهد نماز واجب خود را بخواند، بیاید و بخواند تا حق کسی ضایع نشود.^۲

یعنی تا این حد حقوق مردم مراعات می‌شود. بنابراین، در داوری و حکومت او به اندازه سوزنی به کسی ستم نمی‌شود و هر کس به حق خود می‌رسد.

۲- طبق حدیث شماره ۱، ۷، ۸، ۱۱ و ۱۴ امام مهدی ۷ هم بر اساس حکم داوود و سلیمان حکم می‌کند (یعنی بر اساس علم خود قضاوت می‌کند و از مدعی بنییه و از منکر سوگند مطالبه نمی‌کند) و هم بر اساس حکم محمد ﷺ که بر اساس بنییه و قسم است، داوری می‌کند؛ یعنی او هم به قواعد دادرسی اسلامی هم چون اقرار، گواهی گواهان و سوگند منکر و هم از روش‌های روانی و علمی برای کشف مجرمان اصلی بهره می‌برد.

۳- بر اساس حدیث شماره ۲ و ۳، در عصر ظهور، با پیشرفت علوم، فناوری و تکنیک و صنعت، وسایل کشف جرم آن قدر کامل می‌شود که کمتر مجرمی می‌تواند ردپایی که با آن شناخته شود از خود به جا نگذارد. به دلیل مراقبت شدیدی که در



عصر حکومت او اعمال می‌شود، مجرمان در خانه خود نیز در امان نیستند؛ چرا که ممکن است با وسایل پیشرفته تحت کنترل باشند. حتی ممکن است امواج صوتی آنها از پشت دیوار قابل کنترل باشند.

این خود اشاره دیگری به گستردگی ابعاد مبارزه با فساد در عصر حکومت او است و نیز معلوم می‌شود که لازم نیست امام در تمام موارد قضا، نه علم غیب خود استفاده کند، بلکه در بسیاری از موارد داوری حضرت بر اساس علمی است که از راه‌های عادی آن عصر به دست آمده است.

بدیهی است بدون چنین سلطه اطلاعاتی بر تمام جهان، تشکیل حکومت واحد جهانی و برقراری صلح و امنیت و عدالت، به طور همه جانبه دور از دسترس نخواهد بود. چنان که از حدیث شماره ۳ استفاده می‌شود؛ در عصر حکومت امام مهدی ۷ یک سیستم نیرومند و مجهز برای انتقال تصویرها به وجود می‌آید که شاید تصور آن هم برای ما مشکل باشد.

با کمک این فناوری جهان برای او مثل کف دست خواهد بود؛ نه موانع مرتفع و نه گودی زمین‌ها، هیچ کدام مانع از دیدن موجودات روی زمین نخواهد شد. معلوم است کسی که چنین امکاناتی در اختیار دارد، برای داوری خود به اقرار یا گواهی گواهان یا سوگند منکر نیاز نخواهد داشت.

۴- امام صرفاً با نگاه به چهره افراد، مجرم را از غیر مجرم و صالح را از طالح و دوست را از دشمن می‌شناسد؛ زیرا خداوند علم سیما به او عطا فرمود، حدیث شماره ۹ و حدیث ذیل آن و حدیث شماره ۱۱، گواه درستی این مطلب است. روشن است کسی که با نگاه، شخص را می‌شناسد، قطعاً در داوری خود به بینه و سوگند نیاز نخواهد داشت.

۵ - طبق حدیث‌های شماره ۳ و ۱۰، در عصر حکومت او همه چیز برای شیعیان

روشن است، چه رسد برای خود آن حضرت؛ به همین دلیل قُضات منصوب آن حضرت هم، بیشتر به علم خود عمل می کنند.

۶ - طبق حدیث‌های شماره ۴ و ۵، حضرت حکم قتل کسانی را صادر می کند که پیش از او هیچ قاضی نتوانست چنین حکمی بدهد؛ یعنی داوری ویژه‌ای است که تنها آن حضرت انجام می دهد و طبق حدیث شماره ۱۱ حکم حضرت بر اساس الهام و وحی الهی است.^{۲۳}

۷- از جمله داوری‌های آن حضرت، حکم به حدّ مردگانی است که در زمان زندگانی حدی بر گردنشان بوده ولی اجر نژنده است. حدیث شماره ۶ دلیل این مدعا است.

۸ - حضرت در دوران حکومت خود برای تمام ایالت‌ها حاکم و قاضی نصب می کند و هنگام فرستادن قاضی دست محبت خود را به شانه و سینه او می کشد و می فرماید: هرگاه در امر قضا در مانده شدی و حکم آن برای تو روشن نبود، به کف دست خود نگاه کن؛ زیرا همه آن چه که در باره قضا نیاز داری، در آن وجود دارد؛ به همین دلیل قاضی‌های منصوب حضرت در هیچ واقعه‌ای در مانده نمی شوند و بیشتر مسایل را می دانند.

آنان بر اساس علم خود داوری می کنند، البته از گواهی گواهان سوگند منکران هم که شیوه؛ دادرسی در اسلام است، بهره می گیرند، ولی هر جا از این طریق به نتیجه نرسیدند، به کف دست خود نگاه می کنند و مطلب روشن می شود. (حدیث شماره ۱۵ و ۱۶)

۹- بر اساس حدیث شماره ۱۷، حضرت درباره هر قومی طبق آیین و کتاب آن قوم حکم می کند؛ بر یهود طبق تورات، بر نصارا بر اساس انجیل، بر اهل زبور طبق زبور، و بر مسلمانان بر اساس قرآن حکم می کند.



۱۰- چون شیوه قضا و داوری آن امام همام بر خلاف شیوه دیگر حکام و قضاوت جهان است، در حدیث شماره ۱۳، آمده است که حضرت با کتاب جدید و قضاء جدید می‌آید.

۱۱- طبق حدیث‌های شماره ۴ و ۱۴ حضرت مانع الزکات را به قتل می‌رساند؛ از آن جا که زکات از ضروریات دین است اگر کسی منکر آن شود و یا مانع پرداخت آن شود، چنین کسی مرتد می‌شود و حکم مرتد فطری قتل است. هر چند قبل از ظهور، چنین حدی اجرا نمی‌شد، ولی آن حضرت در عصر خود حد مرتد فطری را جاری می‌کند و او را به قتل می‌رساند.

۱۲- طبق حدیث شماره ۵، حضرت مهدی ۷ نوادگان قاتلان حضرت سیدالشهداء را به قتل می‌رساند؛ وقتی از امام رضا ۷ سؤال می‌شود، چگونه به خاطر جرم آباء و اجداد، فرزندان را می‌کشند، حضرت در پاسخ می‌فرماید: آنان به اعمال پدرانشان راضی هستند و هر کسی به فعل قومی راضی باشد، از آنها و محکوم به حکم آنها است. ۲۴ البته این حکم نیز مخصوص آن حضرت است و گرنه امروزه نمی‌شود به حرف رضایت به عمل خلاف دیگری، آن شخص را حد زد.

خداوند ظهور آن حجه‌الله و ولی‌الله اعظم را در دوران زندگی ما مقرر فرما!
و ما را جزو سربازان فداکار و شهدای در رکاب او قرار ده؛
و اعمال ما را مورد رضا و پسند آن امام همام قرار ده،
و در فرج او که فرج همه بندگانت می‌باشد، تعجیل فرما!



پی نوشت ها :

۱. مکارم، ناصر، مهدی انقلابی بزرگ، قم انتشارات مطبوعاتی هدف، ۱۳۵۶.
۲. مجلسی، محمدباقر. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.
۳. همان، ص ۳۹۰، حدیث ۲۱۲.
۴. همان، ص ۳۲۸، حدیث ۴۶.
۵. همان، ص ۳۰۹، حدیث ۲.
۶. همان، ص ۳۱۳، به نقل از علل الشرایع و عیون اخبار الرضا.
۷. علل الشرایع، ج ۲، ص ۲۶۷، بحار، ج ۵۲، ص ۳۱۴.
۸. بحار، ج ۵۲، ص ۳۲۰.
۹. بصائرالدرجات، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۰.
۱۰. بحار، ج ۵۲، ص ۳۲۵ به نقل از کمال الدین صدوق.
۱۱. همان، ص ۳۲۱.
۱۲. روضه کافی، ص ۴۶۱، منتخب الاثر، ص ۴۸۳، بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.
۱۳. ارشاد مفید، ص ۳۴۵، بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۹.
۱۴. کافی، ج ۳، ص ۵۰۳، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵، محاسن برقی، ص ۸۷، معجم احادیث الامام المهدی ۷، ج ۴، ص ۶۹، بحار، ج ۵۲، ص ۳۷۱.
۱۵. بحار، ج ۵۲، ص ۳۵۴، حدیث ۱۱۴.
۱۶. بحار، ج ۵۲، ص ۳۸۹ حدیث ۲۰۷، اثبات الهدی، ج ۳، ص ۵۸۵، معجم احادیث الامام المهدی ۷، ج ۳، ص ۳۰۹، حدیث ۸۴۸.
۱۷. معجم احادیث الامام المهدی ۷، ج ۵، حدیث ۱۴۵۳، ص ۲۹.
۱۸. بحارالانوار، ج ۵۲، حدیث ۹۱، ص ۳۴۵.
۱۹. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۳۲۲، حدیث ۸۶۶، بحار، ج ۵۱، ص ۲۹، حدیث ۲۰، غیبت نعمانی، ص ۱۵۷.
۲۰. بحار، ج ۵۲، ص ۳۶۲، حدیث ۱۳۱.
۲۱. بعثت، غدیر، عاشورا و مهدی، مقدمه خورشید مغرب، ص ۳۶.
۲۲. کافی، ج ۴، ص ۴۲۷؛ خورشید مغرب، ص ۳۳.
۲۳. البته وحی، از نوع وحی نبوت نیست، بلکه از نوع وحی به مادر موسی است.
۲۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۳ به نقل از عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۷۳ و علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۱۹.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی